

# منی زای عرب سارگی قبول و غزل همه آغاز کن (ماتفا)

## پای کوبی و دست افشانی

نوشته: آقای روح الله...

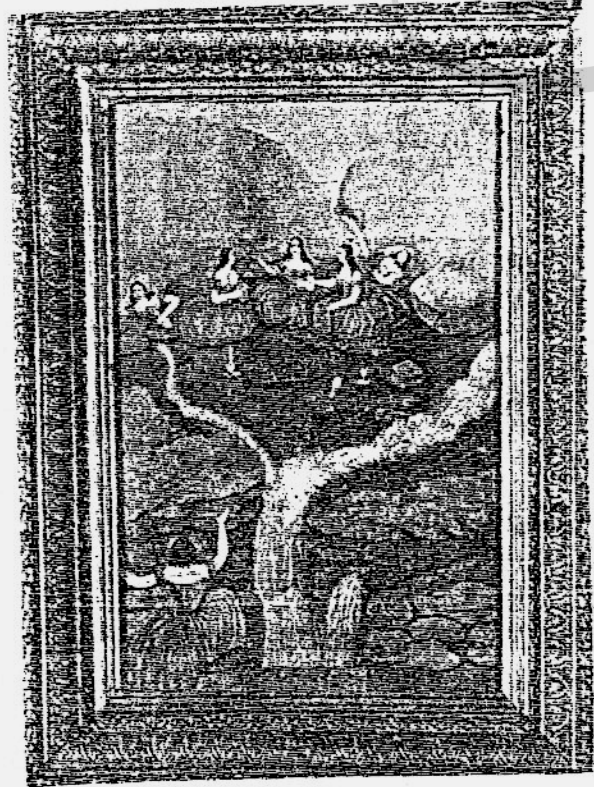
www.easterndanceforum.com

«مجلس افروزه» که هم اکنون در ردیف ماهر و موجود است، نوای «خسروانی» و «دلکش» و «طرب انگیز» و امثال آن که از دیرباز برای ما بیادگار مانده نشانه‌ای از روح طرب و نشاط موسیقی قدیم ماست. رنگهای لزرگی و حاشیه و ضرب اصول و فرج و فرج انگیز و شیر آشوب که در ردیف دستگامی قدما برای ما باقی مانده انواع مختلف موسیقی رقص بوده است. با پای کوبی و دست افشانی رقصان هنرمند هم آهنگ می‌شده. هر چند درین باره کتابی نوشته نشده است که ما را بکنه مطلب برساند ولی در نوشته‌های سیاحان خارجی که در ادوار مختلف بایران آمده اند اشاراتی هست که بخوبی بر ما معلوم می‌شود که هنر رقص در کشور ما نیز سوابقی طولانی دارد.

«تاورنیه» سیاح فرانسوی در سفر نامه خود چنین می‌نویسد: «در ایران مردها ابدآرقص نمی‌کنند فقط دخترهای جوان را در شیانها

آن چنان زیاد است که هنوز هم سالیان طول دارد تا بجز این آن هدت کاریم. اگر امروز موسیقی مادر مقابل موسیقی علمی از ما کم مایه و حقیر جلوه می‌کند همین علت است که قرن‌ها مورد بی حرمتی بوده و جنبه آموزشی و علمی نیافته و در مدرسه ترقی نکرده، باز هم عجیب است که با این همه بی حرمتی چنین نواها و آهنگ‌های دلپذیری برای ما باقی مانده است که اگر گوشش کنیم و بخوبی می‌توانیم آنرا بر مایه کنیم و بتدریج جنبه علمی هم بآن بدهیم و در دنیای امروز که هر هنری بر پایه علمی استوار است بمرغی شایسته آن بپردازیم.

ما در موسیقی بند های دل- انگیزی داریم که هم مرزبون و هم شادی بخش است و بخوبی پیداست که این نواها با پای کوبی و دست افشانی توأم بوده است. نمونه ای بنام «ساز نوروز» که از آهنگهای باستانی ما بوده است به تقاضای زمانی که بر اوخته می‌شده شادی بخش بوده است. آهنگ



تابلو نقاشی کار ناصرالدین شاه قاجار در موزه گلستان

چه کلمات زیبا و هم آهنگی که در ادبیات ما بجای رقص بکار رفته است. این روزها هنر رقص میان سینه جوان طرفداران بسیار دارد. آری دوران جوانی که نشاط و کامرانی و امید بآینده مظهر آنست باید باین هنر که موجب خرمی و شادمانیست همراه و توأم باشد.

جوانان ما هم بتقلید از پائیان هر قسند و شاید نمی‌دانند که ایرانیان پیشین هم باین هنر علاقه داشتند و رقص بسیار دیگر پای کوبی و دست افشانی هم در کشور ما بی‌سابقه نبوده است. منتها چون موسیقی و رقص اصولا در دوران بسیار طولانی طرف توجه جابجایی نبوده و فقط در گوشه و کنار نزد خاصان و اهل ذوق نمونه هایی از آن تجلی میکرده رفته رفته این هنرها خاص طبقات پست اجتماع شده چنانکه آنها را اهل طرب یا مطرب گفته اند. هر چند مطرب یعنی مطرب آورنده است ولی چنان این کلمه بد استعمال شده که امروز هم هیچ هنرمندی طاقت شنیدن آنرا ندارد. ضروری که محیط اجتماعی و اعتقادات مذهبی در کشور ما باین هنرها وارد آورده





دستای از نوازندگان و رقصان پنجاه سال قبل

میآوردند که با روی گناده میرقصند و انواع غزوات و اشکال مختلفه برای تفریح ناظرین نشان میدهند.

دستنامه «برادران شرلی» چنین آمده است: «در سده طرب پادشاه هم درین مجلس و هم در منزل خودمان همیشه برای ماحضرت بود.

در آن مهمانی ده نفر زن بسیار خوشگل بودند که لباس های قیمتی پوشیده برسم مملکت خود میرقصیدند و در تمام مدت جشن میخواندند.»

و بطوری که سفرنامه نویسن شرح میدهد: «این مهمانی در قزوین از طرف ناظر دربار شاه عباس تهیه دیده شده بود.»

«مورس دو کوترتو» سیاح روسی می نویسد: «سازندگان رعایت ضرب موسیقی را خوب میکردند. رقص این دسته عبارت از سه پجه بود. رقص هادرموقع رقص با زنگی که بر دست داشتند مطابق ساز، ضرب می گرفتند و تمام طول اطاق را ملق زنان ملی میکردند.

در حرکت دیگری، نیز بسیار مهارت داشتند بدین نحو که دست یا سرشان به نقطه ای اتکاء نداشت و در هوا چنبدین ملق میزدند.»

و بطوری که سفر نامه نویسن بیکاردر «ابن میمنانی در قصر حسین قلی خان سرداره حاکم ایروان بوده است که در آن زمان در قلمرو ایران بشمار میرفت.»

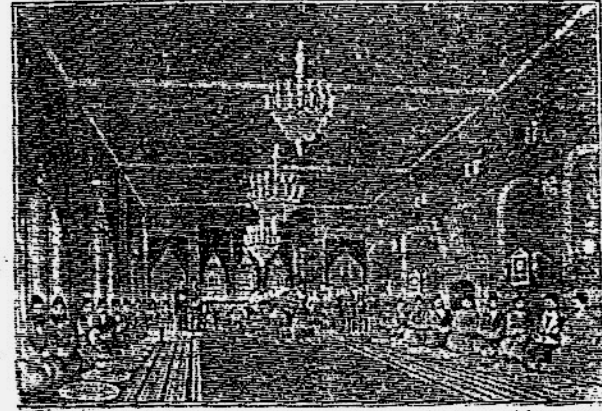
آقای خان ملک ماسانی که مرد محتج تالیف دیوانه داستان دلفریبی از کتبه آکادیمیوم ملی ایران کرده است بحامساق قبل معمول بوده نوشته اند که شاید هنوز چاپ نشده باشد. ایشان حکایت میکردند که در شیراز مردی بود که سیبها در سحکت میکفت و بنواختن سنتور و گمانچه و تار هم وارد بود و در خلوت برای دوستان نزدیکش نوازندگی

می شدند. صبحها اقامت در شاه و رجبعلی خان و جلالی خان به معلم خانمی آمدند. خواجه هادی نوشتند و شاکردان مدتی پیش استاد مردانه متق میکردند. بعد از آمدن منزل استادینا و استاد زهره هر یک مسئولیت تعلیم دست خود میدهند.

از وارد براون انگلیسی میشود: «میزبان میهمانی را که از حرکت شخصیت و مقام بزرگ تر از دیگران است در مدرسه فرستاده می شانند. موسیقی دانها و خوانندگان و رقاصان هم پای سفره می نشینند و ازین جا معلوم میشود که اهل طرب مورد توجه مخصوص نبودند یعنی با این که از هنر آنها استفاده می کردند ولی مقام ارجحندی هم در جامه برای آنها نمی شناختند.

باز ادوارد براون می نویسد: «میزبان برای سرگرمی مهمان ها هیئت جز ارگستر هم می آورد و این هیئت جز در میمانی های بزرگ درباری مرکب از سه نفر است که یکی از آنها تار میزند و دیگری طبل موسوم به دنگ را می نوازد و سومی آواز میخواند. گاهی علاوه بر این سه نفر، پسران رقص هم در مجلس حضور می رسانند و ایرانی ها از رقص آنها خیلی لذت میبرند. در یکی ازین مجالس که من حضور داشتم میهمانان آن جناب از ساز و آواز خوششان آمد که در اطراف خواننده دایرهای درست کردند و شروع رقص کردند و هنگام رقص مرتباً با هم گفتگو مخصوص می گفتند: بارک الله کو چولو. و این آهنگ و رقص دسته جمعی بقدری ادامه داشت تا تمام آنها خسته شدند و از حرکت باز ایستادند.» در جای دیگر می نویسد که «رقص پایه گیلاس شراب خوری را بدندان میکرفت و بند آهسته بهر یک از مهمانان نزدیک میشد و از پشت کمر را خم میکرد بطوری که گیلاس که در وسط دندان های او

بقیه در صفحه ۳۵



مجلس عروسی درباری تالوی نقاشی کار محمود ملک الشعرا صباکه اصل آن در موزه گلستان است

ساعت ۱۶-۲۰	روایت اخبار رادیو ایران
ساعت ۱۵-۲۰	پایان برنامه بخش سوم
<b>بخش سوم</b>	
ساعت ۱۵-۲۰	بزرگوار و تبریز
ساعت ۱۰-۲۳	سرود پانده شاه
ساعت ۱۵-۲۴	اتلام برنامه
ساعت ۱۵-۲۵	موسیقی ایرانی
ساعت ۱۶-۰۰	برنامه «بلبله محلی»
ساعت ۱۷	خبرهای ایران و جهان (بلبله محلی)
ساعت ۱۷-۱۵	ترانه های ایرانی
ساعت ۱۷-۲۰	برنامه کردی
ساعت ۱۸-۰۰	موسیقی ایرانی (روزهای جشنیه)
ساعت ۱۸-۲۰	برنامه کادانان
ساعت ۱۸-۴۵	خبر زبان ارمنی
ساعت ۱۹-۰۰	ترانه های محلی



ساعت ۱۹-۰۰	برنامه لنگر
ساعت ۱۹-۴۵	صدای جوانان
ساعت ۲۰-۰۰	یادی از شعرا نامدار
ساعت ۲۰-۳۰	صدای جوانان
ساعت ۲۱-۰۰	برنامه لنگر
ساعت ۱۹-۰۰	صدای جوانان
ساعت ۱۹-۴۵	بزرگوار روسی
ساعت ۲۰-۰۰	موسیقی ایرانی
ساعت ۲۰-۳۰	برنامه داستان شب
ساعت ۲۱-۰۰	موسیقی محلی (روزهای جشنیه)
ساعت ۲۱-۰۰	برنامه ماهی
ساعت ۲۱-۰۰	پایان برنامه بخش سوم



**برنامه ماه رادیو لرستان**

ساعت ۱۵-۲۵	بزرگوار
ساعت ۱۵-۲۸	سرود شاهنشاهی - اعلام برنامه
ساعت ۱۵-۳۰	ترانه های ایرانی
ساعت ۱۵-۴۵	آرمان ما برای شما
ساعت ۱۶	اعلام برنامه کردی
ساعت ۱۶-۰۲	ترانه های کردی
ساعت ۱۶-۱۰	سنتار
ساعت ۱۶-۱۷	ترانه های درخواستی کردی
ساعت ۱۶-۲۵	اخبار زبان کردی
ساعت ۱۶-۴۵	پایان برنامه کردی و اعلام برنامه آسوری
ساعت ۱۷-۱۵	



ساعت ۱۷-۲۰	برنامه جوانان
ساعت ۱۷-۲۵	برنامه کودک
ساعت ۱۷-۳۰	برنامه خانواده
ساعت ۱۷-۳۵	شهر سخن
ساعت ۱۷-۴۰	ایران در آئینه زمان
ساعت ۱۷-۴۵	شهرهای ایران
ساعت ۱۷-۲۰	موسیقی ایرانی ارگستر رادیو
ساعت ۱۸	اخبار استان، ایران و جهان
ساعت ۱۸-۱۰	بزرگوار
ساعت ۱۸-۱۷	آهنگهای غربی رقص
ساعت ۱۸-۲۰	ساعت مخصوص شنوندگان
ساعت ۱۹	اعلام برنامه ترکی
ساعت ۱۹-۰۲	رنگ (بخشیه ها تلاوت کلام الله مجید)
ساعت ۱۹-۰۶	گرددش در گوشه کنارت
ساعت ۱۹-۱۵	موسیقی محلی
ساعت ۱۹-۲۰	بحث دو نفری
ساعت ۱۹-۲۵	موسیقی محلی
ساعت ۱۹-۳۰	اخبار استان - ایران و جهان
ساعت ۲۰	آهنگهای مختلف (روزهای جشنیه)
ساعت ۲۰-۳۰	پایان برنامه اعلام شاهدگان



# ملیت آذربایجان

بقیه از صفحه ۲۱

سروده و در جزئیات عقاید و عادات و غیره عادات و مراسم ایالات و ایلات دیگر ایران را داشته است.

## عامل ملیت چیست؟

ولی در نوق همه این عوامل و آن گفت حقیقی عالی تر موجود است که با وجود آن صحبت از مطالب و بلاغ دیگر زیادی است و آن حقیقت با رتبه از اینکه بزرگترین عامل ملیت ماست است که در افراد ملت وجود دارد. وجدان باشعور و تمایل و عواطف فطری خود مردم است که اساس و زمینه ملیت است تکلیف میدهد وقتی که افراد یک قوم و یک علقه متدنیاری خود را بشناسند و آشنای یک خانواده و برادری یک ملت و اتباع یک مملکت باشند در تقابل ملیت است که بشیریک و سبیبودن در مفاخر ملی و شکیب و شرمند شدن در موارد شکست و بیوفایی داشته باشند و خلاصه خود را بطور طبیعی و بی اختیار منسوب به یک ملیت حس کنند، از عوامل دیگر آن یکی کم یا یکی زیاد شد تأثیری ندارد.

بسی ملیت روی یک امروز جدانی و منوی استوار است و تا آن در بین افراد ملتی هست اختلافات جزئی ظاهری احدیتی ندارد البته چنانچه سران اشاره شد علاوه بر وحدانی و تمایل و جدائی باید نتیجه وابستگی و بسوستگی قریهها زمان باشد و عوامی مشترک مانند سر زمین واحد و نژاد واحد و تاریخ واحد. الخ آنرا موجود آورده باشد بطوری که در نوق یا اختصار گفته شد و گرنه شاید ممکن است قومی را در طی حدود یک قرن برزور از طریق مصنوعی سوق بقاید و احساسات غلط کرد.

حقیقت این است این چنین حس فطری ملیت ایرانی در روح آذربایجانی وجود دارد که آنرا بی همان طرز که هم اکنون ذکر کرده ام از زمان و گردش دوران ایجاد کرده نه اینکه در مدت کم مسائل مصنوعی یا زور و جبر طبیعی ساختگی بحصول پیوسته باشد. آذربایجانی از آغاز تاریخ خود یعنی پیش از سده هزار سال یک دین و یک آیین و یک بیرون و یک ملت میباشند. آنهم دین و آیین و بیرون و یمن و ملت ایران است و از این جهت آذربایجانی مستی مردم بایرولایات ایران ندارد همانطوریکه خراسانی یا فارسی یا خوزستانی خود را ایرانی حس میکنند

# پایگویی و دست افشانی

بقیه از صفحه ۱۹

بود تا به نزدیک لب میهمانان بر رسید بدون اینکه شراب آنها داده شود و درین نمایش چیزی که تولید حیرت میکرد فرمی استخوان های کرا بود. بدنی از میهمانان از بسن حرکت آکروباسی چنان بوجود میآمدند که پیشانی رقص را میبوسیدند.

معبرالمالک در بیان داشت های خود از دسته های نوازندگان زمانه ما بنده «دسته کاشی» «دسته طابوس» و «دسته ماشاءالله» گفته می کند که در هر دسته چندین هنرمند رقص نیز با نوازندگان همکاری میکردند.

ازین فلاندن سیاح و نقاش فرانسوی شرح مسووطی راجع ملاقات منک قاسم میرزا فرزند فتحعل شاه نوشته که خلاصه آن چنین است: «در تمام مدت صرف غذا آهنگ های موسیقی و رقص رقصان ادامه داشت. ابتدا زنی تنها میرقصید و پس از آنکه مدتی زن دیگر با او ملحق شد؛ در آنکتهان رقصان زن گهای کوچک و قاشق ها بصدا در میآمد که با آلات موسیقی همرا بود. زنان برای خوش آمد اربابان میرقصیدند. وقتی رقص خاتمه می یافت ارکستر با قوت و عجله متبواخت و رقصان را کاملاً گنج می ساخت.»

رقص و پای کوبی در میان ایلات دهات ایران بسیار متداول و از رسوم ملی است. مثلاً در قاسم آباد گیلان رقص های زیادی دارند. رقص چوبی کردی در کردستان و کرمانشاه متداول است. در بختیاری رقص بنام «دوبله» دارند. مردم آذربایجان رقص لژ که رابخوبی اجرا میکنند. اغلب نواها و آهنگ های

محل ایران بوزن معروف  $\frac{1}{8}$

است که حالت موزون رقصی دارند. موسیقی ایرانی دارای رنگهای زیست که متاسفانه امروز کمتر مورد توجه است و همه از موسیقی چیزی میخوانند که توأم باشم و از نوع تصنیف و ترانه باشد.

کسانیکه اروپا رفته اند بخوبی دریافته اند که در چنین ها و اعیاد مردم

و هستند آذربایجانی هم سر زمین و نیکن خود را ایرانی میدانند و هست... اگر دشمنان ملیت و ملت ایران را این حقیقت گران آید گناه ما چیست بپهل در کمرهای خود ببانند.

شبهه گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نگاهد

ازن مرد و خرد و کلان در خیابان ما میرقصند و آن چه باید شانمان و خرسی مردم است همین حرکات رقص است که «پشه مایه تناط و طرب است» اگر بخوایم مردم ایران را بشناسیم و نشاط عادت دمیه را هم جز تشویق رقص با همان پای کوبی و دست افشانی نداریم. در اهمیت رقص همین بس

این سینا فیلسوف بزرگ ایران چون از هنر رقص بی بهره بود با آن همه کمالات «معلم» خوانده نشد در صورتیکه ارسطو و فارابی را معلم اول و ثانی نامیدند. ارسطو گفته است: شعر و موسیقی و رقص زاده یک مادرند. در کشور ما در میان هنرهای زیبای فن شعر از سایر فنون جمیله بیشتر ترقی کرده و چنان مقامی ارجحند یافته که اروپائیان، ایران را کشور شعر و شاعری نامیده اند شاعران بزرگوار

نامدار ما این هنر را بجای رسانده اند که باشان جاوید گشته ولی بواسطه اوضاع و محیط اجتماعی سایر هنرها چنانکه باید نتوانسته است؛ شادوش شعر و ادبیات تجلی کند و از جمله موسیقی و رقص از سایر هنرها با پس

ماده آید. هر چند در سالهای اخیر حس هنر پسندی اجتماع تا اندازه ای پیشرفت کرده و نتوانهائی از موسیقی جدید نیز پیدا شده ولی هنوز در آغاز کار و شروع مطالعه و تجربه هستیم و امیدواریم بهمت هنرمندان ارجحند درین راه توفیق یابیم و در قسمت رقص نیز باید توجه بسیار بر رقص های ملی داشت و مایه بیشترت آن ها را فراهم آورد

که خود بهترین موجب شادمانی و خرمی و نشاط دل های بزم کرده و پریشان است. دنیای امروز دنیای جنبش و حرکت

است. ما در گذشته بسیار کریستایم. خردمندان و رهبران ملت باید مردم را بشادمانی دعوت کنند و آن ها را از غم و غصه خورند که جز نداشت و آنسر دگی سودی ندارد بیهیزارند.

زمانی فرارسیده است که نشاط جوانی پیشه سازیم و در دشت خرم زندگی نغمه روح افزا بخوایم و پای کوبیم و دست افشاییم و توسن مراد در کاروان زندگانی برانیم تا از دیگر مردم جهان باز پس ننایم و نور امید دیدگان ما را بفرورغ کند.



برنامه کارگرم  
قهرمانان تاریخ ایران  
صدای کارگرم  
گفتگوی زندگی  
صدای کارگرم  
برنامه سازمان مقاومت ملی

ساعت ۱۸:۰۰ موسیقی ایرانی (ارکستر رادیو اصفهان)  
ساعت ۱۸:۰۰ برنامه نوبالمان  
ساعت ۱۸:۳۰



چند دهای تابناک هنر ایران  
برنامه پیداست  
فقری با آثار گهر بار تاریخی اصفهان  
ایران در آینه زمان  
فقد در خدمت ایران  
برنامه کشاورزان

ساعت ۱۹:۰۰ موسیقی ایرانی (از مرکز)  
ساعت ۱۹:۳۰



گفتگوی اجتماعی  
پیام جوانان  
چنان دانش و هنر  
برگزیده ترین آثار ادبی جهان  
پیام آشنا  
سخنرانی مذهبی

ساعت ۱۹:۴۵



چند ترانه از یک خواننده  
پیام جوانان  
چنان دانش و هنر  
سخنرانی مذهبی  
پیام آشنا (از ساعت ۱۹:۵۷) خلاصه اخبار استان - نیازمندیها  
سخنرانی مذهبی

ساعت ۲۰:۰۰



محل ادبی ما (مشاعر)  
برنامه انجمن ادبی کنال  
جدول رادیویی  
تخته دوست  
برنامه مرکز تویخانه  
شک خانی که هرگز خاموش نمیشود

ساعت ۲۰:۳۰ برنامه داستان شب (روزهای چهارشنبه برنامه مرکز تویخانه)

ساعت ۲۰:۵۷ خلاصه اخبار استان اصفهان - نیازمندیها (روزهای چهارشنبه)

ساعت ۲۱:۰۰ برنامه سلام شهنشاهی - پایان برنامه